

نیاز بشر به دین

از دیدگاه برخی از متکلمان مسلمان

(۱)

هم از ناحیه معتقدین به يك دین، شبهات و شك‌ها و تردیدهایی نسبت به باورهای مشترك ایجاد می‌شود و منشأ پیدایش فرق مختلف در آن دین می‌شوند. البته گاهی منشأ اختلاف روش‌هایی است که متکلمان در شناخت دین و دفاع از باورهای دینی خود به کار می‌گیرند. برخی چون معتزله با روش‌های عقلانی به دین و اعتقادات دینی پرداخته‌اند و برخی هم مانند اشاعره، کمتر به نظرپردازی عقلی روی آوردند و بیشتر به ادله سمعی گرایش داشتند. کلام شیعی از نظر روش، مشابهت‌هایی با معتزله دارد، لیکن از جهت باورهای مورد دفاع، اختلاف بنیادی با هم دارند. کلام شیعی از

دانش کلام یکی از شاخه‌های مهم علوم اسلامی است و سابقه بس طولانی دارد. علم کلام متکفل دو امر مهم است:

۱. تفسیر و تبیین دین و اعتقادات دینی.
۲. دفاع از دین و اعتقادات دینی در مقابل شبهات.

متکلمان علاوه بر توضیح آموزه‌های دینی به پاسخ‌گویی از شبهات و شكوك و تردیدهایی که از ناحیه مخالفین، طرح می‌گردد، پرداخته و از دین و آموزه‌های دینی دفاع می‌کنند.

شبهات گاهی از ناحیه منکرین و مخالفین اسلام مطرح می‌گردد، ولی گاهی

آن است که مکلف با وجود آن به طاعت خداوند نزدیک و از معصیت او دور بماند. شرط لطف آن است که در اصل توانایی مکلف دخالتی نداشته باشد زیرا لطف، فرع تکلیف است و تا توانایی نباشد، تکلیفی نیست. دیگر این که به حد الجاء و اجبار نرسد، زیرا در این صورت با تکلیف منافی خواهد بود. مکلف در انجام تکلیف باید با اختیار و آگاهی عمل کند.

عَلَّامَةُ حَلِّي فِي تَعْرِيفِ لُطْفٍ
مِي كَوَيْد: اللطف ما يكون المكلف معه
أقرب إلى فعل الطاعة وأبعد من فعل
المعصية ولم يكن له حظ في التمكين ولم
يبلغ حد الإلجاء.^(۱)

: لطف عبارت است از اموری که به واسطه آنها مکلف به انجام طاعات نزدیک‌تر و از ارتکاب معاصی دورتر می‌گردد؛ ولی در تمکین و تواناسازی مکلف به انجام طاعت یا دوری از معصیت دخالت نداشته و سبب الجاء مکلف نگردد؛ یعنی به سر حد اضطرار نرسد. نحوه استدلال به این صورت است که

دو روش عقلی و سمعی، برای شناخت و دفاع از دین استفاده می‌کند.

متکلمان با صرف نظر از اختلافاتی که با هم دارند، از فواید بعثت و آثار سازنده دین و خدمات و حسنات انبیاء بحث کرده‌اند و بشر را محتاج دین و تعالم انبیاء می‌دانند.

با توجه به این که متکلمان در «نیاز بشر به دین» اختلاف چندانی با هم ندارند، به طرح دیدگاه برخی از متکلمان اکتفا می‌شود:

روش‌های متکلمان

متکلمان در مجموع، به دلایلی استناد می‌کند که پیش از طرح نظریات یکایک آنها، این دلایل مشترک، طرح و بررسی می‌شود.

۱. قاعده لطف

متکلمان مسلمان برای اثبات نیاز بشر به نبی و تعالیم و حیاتی عموماً به قاعده لطف تمسک کرده‌اند. مقصود از لطف،

۱. علامه حسن بن یوسف حلّی: کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۱۳۴.

۲. بایسته بودن تکلیف

متکلمان از راه بایسته بودن و حسن تکلیف نیز، نیاز بشر به نبی و تعالیم و حیانی را اثبات می کنند.

تکلیف در اصطلاح متکلمین عبارت از اراده من تجب طاعته علی جهة الابتداء ما فیه مشقة بشرط الاعلام.^(۲)

طلب کردن یا منع نمودن کسی که ابتداءاً و اولاً وبالذات اطاعت او واجب است، عمل و کاری را که در آن مشقت وجود دارد، مشروط به این که اعلام هم بنماید. (تکلیف آن است که کسی اطاعت او واجب باشد، کار دشواری از دیگران بخواهد، به شرطی که اعلام کند.) تکلیف از این جهت حسن است که بشر با امثال آن در معرض بزرگترین ثواب ابدی و دایمی قرار می گیرد.

خواجه در این باره می گوید: التکلیف حسن لاشتماله علی مصلحة لا تحصل بدونه، وواجب لجزره عن القبايح.^(۳)

تکلیف به خاطر اشمال بر مصالح و منافع عظیم، حسن است و بدون تکلیف

بعثت از مصادیق لطف است و لطف بر اساس قاعده حسن و قبح عقلی بر خداوند واجب است؛ زیرا حسن عقلی دارد. بنابراین بعثت انبیاء ضرورت دارد.

ارسال رسل و انزال کتب از مصادیق لطف و احسان الهی است، زیرا با این وسیله مردم به طاعت خدا نزدیک تر و از معصیت او دورتر می شوند. بر این اساس، بشر برای طاعت خداوند و اجتناب از معصیت او به شریعت الهی نیاز دارد.

در بین متکلمان مسلمان کسانی هستند که لطف را بر خداوند واجب نمی دانند، اشاعره منکر حسن و قبح عقلی اند، طبعاً منکر لطف نیز هستند؛ این گروه، اساساً چیزی را بر خدا واجب نمی دانند و نیاز بشر به نبی را از این راه ثابت نمی کنند. معتزله و بسیاری از علمای امامیه بعثت انبیاء و انزال کتب آسمانی را به مقتضای لطف و حکمت الهی واجب دانسته و معتقدند که بعثت انبیاء به دلیل اشمال آن بر فواید بسیار، حسن و ضروری است.

برسانند. بنابراین نبوت ضرورت دارد.

۳. کارکرد گرامی (فایده انکارانه)

بسیاری از متکلمان از راه بررسی فواید بعثت به نیاز بشر به نبی و تعالیم وحیانی استدلال کرده‌اند.

چون بعثت را مشتمل بر فواید فراوان دنیایی و آخرتی می‌دانند و معتقدند که بشر جز از این طریق (راه دین) نمی‌تواند به آن منافع و مصالح دست یابد، و دین در ارایه این خدمات و فواید، رقیب و بدیلی ندارد. بنابراین بشر برای دستیابی به این فواید محتاج دین است.

البته پیش فرض این رویکرد حقانیت دین و صدق آموزه‌های دینی است، و اقبال بشر به دین با قبول این پیش فرض است. نه صرف فایده‌های دنیوی که مبتنی بر حقانیت دین نباشد؛ چنان که فیلسوفان غرب بدان معتقدند.

۴. قانون و عدالت اجتماعی

برخی از متکلمان نیز مانند حکماء از راه مدنی بالطبع بودن انسان، و نیاز زندگی اجتماعی به قانون و عدالت اجتماعی، به

هیچ‌گاه بشر به آن مصالح و منافع نمی‌رسد. و همچنین تکلیف ضروری است چون خداوند، از قبایح منع کرده است. اگر تکلیف واجب نباشد اغراء در قبیح لازم می‌آید زیرا دواعی ارتکاب قبیح که عبارت از تمایلات نفسانی و شهوت و غضب است، در بشر وجود دارد.

بنابراین بشر برای دستیابی به منافع عظیم دنیوی و اخروی تکالیف، نیاز به نبی و تعالیم وحیانی دارد، تا این تکالیف را به او ابلاغ نماید و از رهگذر تکلیف به آن منافع عظیم برسد.

برهان متکلمین را به صورت خلاصه می‌توان این گونه بیان کرد: تکلیف کردن بندگان از طرف خداوند حسن است، زیرا باعث تکامل و سعادت آنان می‌گردد (حسن تکلیف). هر چیزی که باعث سعادت و تکامل بشر باشد بر خداوند لازم است که آن را در اختیار بشر بگذارد (وجود لطف). پس تکلیف کردن از باب لطف بر خداوند واجب است. و برای این که این تکالیف به بندگان ابلاغ شود، به ناچار باید خداوند رسولانی را برانگیزد تا آنان پیام خداوند را به بندگان

اثباتِ ضرورتِ نبوت و تعالیم و حیاتی پرداخته و رویکرد عدالت گرایانه دارند. کسانی چون خواجه طوسی، علامه حلی، حکیم لاهیجی، ابن میثم بحرانی... هم مشرب با حکماء هستند. خلاصه: متکلمین برای اثبات نیاز بشر به دین رویکردهای مختلفی دارند:

۱. رویکرد اول، از طریق استدلال بر اساس قاعده لطف است که نیاز بشر به دین را موجب نزدیک شدن به طاعت و دور شدن از معصیت می‌داند.

۲. رویکرد دوم، از طریق استدلال بر حسن یا وجوب تکالیف شرعی است و می‌گویند: تکالیف شرعی از این جهت حسن عقلی دارد که موجب می‌شود، بشر به ثواب عظیم دائمی برسد. (۴)

۳. رویکرد سوم، کارکردگرایی است که در این نگاه از طریق فواید بی‌شمار دنیوی و اخروی دین به اثبات این مسأله می‌پردازند.

۴. رویکرد چهارم، رویکرد عدالت گرایانه است که از طریق نیاز بشر به قانون

الهی به اثبات وحی و نبوت می‌پردازند. البته این طور نیست که متکلمین فقط به برخی از این طرق یاد شده تمسک کنند، بلکه بسیاری از آن‌ها در اثبات نیاز به نبی از همه آن طرق بهره می‌گیرند؛ گرچه هر يك را جداگانه بررسی نمی‌کنند، لیکن از شیوه بحث آن‌ها می‌توان این رویکردها را اصطیاد کرد.

نیاز بشر به دین در دفع و رفع ضرر محتمل

گرچه متکلمان، دفع و رفع ضرر محتمل را از عوامل ضرورت تحقیق در دین شمرده‌اند؛ اما صرف تحقیق در دین ضرر محتمل را دفع نمی‌کند.

اگر سرّ رجوع بشر به دین برای دفع ضرر محتمل باشد [چون احتمال می‌دهد، در اثر دین گسریزی (دینی که محتمل است). گرفتار زیان بسیار (عذاب اخروی محتمل) گردد؛ ضرری که برای آن پایانی نیست] در آن صورت دین باید ویژگی‌هایی داشته باشد که بتواند آن زیان را دفع نماید.

۴. حکیم لاهیجی در پاسخ این سؤال که آیا عقل حسن تکالیف شرعی را ادراک می‌کند یا خیر؟ می‌گوید حق این است که عقل در حسن تکلیفات می‌یابد. ر.ک، سرمایه ایمان، صص ۷۷-۷۶.

تحقیق در متون دینی به آن نتیجه می‌رسد که نه تنها ضرر محتمل الوقوع نیست، بلکه ضرر حتمی الوقوع است، و از طرفی با منافع بی‌شمار دنیایی و آخرتی دین آشنا می‌شود که برای به دست آوردن آن منافع نیز به دین نیازمند است. بنابراین بشر برای دفع ضرر محتمل و جلب منفعت محتمل نیازمند به دین است.

به خواست خدا از شماره آینده، نیاز بشر به دین از دیدگاه متکلمان همچون خواجه طوسی، علامه حلی، ابن میثم بحرانی و ... را به صورت جداگانه بررسی می‌کنیم.

آن ویژگی‌ها در دو چیز خلاصه می‌شود، ۱. دین باید از حقانیت و صدق برخوردار باشد. ۲. دین در دفع این زیان توانایی لازم را داشته باشد و پذیرش دین و عمل به آن ضرر محتمل را دفع نماید. حقانیت و صدق دین از این نظر مهم است که تردید او را از ضرر محتمل برطرف می‌کند و در مقام عمل به توصیه‌های دینی، او را دلگرم می‌نماید؛ به عبارت دیگر موجب اذعان و اعتقاد او به دین می‌گردد.

در بدو امر که هنوز به دین رجوع نکرده و تحقیق به عمل نیاورده، ضرر احتمالی است، لیکن بعد از مطالعه و

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: *قال جامع علوم انسانی*

«وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حِجَّةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَلَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْمِي

خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَجَوْرِهِمْ وَأَسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ».

«بدانید که زمین هرگز خالی از حجت خدای عزوجل نمی‌شود،

لکن خداوند آفریده‌هایش را به جهت جور و ستم و اسرافشان بر

خودشان، از دیدار حجت خود نابینا می‌سازد».